

اعلامیه اجلاس وسیع شورای مرکزی حزب نوین مردم افغانستان

در رابطه با وضعیت سیاسی - نظامی کشور

و وظایف تأخیر ناپذیر جنبش دموکراتیک

۱۲ اگست ۲۰۲۱ مطابق ۲۱ اسد ۱۴۰۰

با بیرون شدن نیروهای نظامی امریکا - ناتو از سرزمین افغانان وضعیتی در حال شکل‌گیری است که گشایش صفحه جدیدی را در تاریخ کشور به همراه خواهد داشت. تحلیل دقیق این وضعیت از اهمیت بزرگ سیاسی برای نیروهایی که خواهان دگرگونی آن به سود مردم افغانستان و لایه‌های فرودست جامعه اند برخوردار است.

چیزی بیشتر از سه دهه از فروپاشی حزب - دولت دموکراتیک می‌گذرد. در جریان این مدت کشور زیر حاکمیت‌های نیروهای ارتجاعی قرون وسطایی و جهادی و تکنوکرات‌های وابسته به امپریالیسم امریکا و شرکای ناتویی آن قرار داشته است. پیامد این حاکمیت‌های ضد مردمی دوران اشغال را می‌شود با یک مفهوم خلاصه کرد: انحطاط جامعه افغانی!

حزب نوین مردم افغانستان در سندی که زیر عنوان «ملاحظات حزب نوین مردم افغانستان در باره وضعیت سیاسی - اجتماعی کشور (جدی ۱۳۹۷ - جنوری ۲۰۱۹)» منتشر ساخت به طور همه جانبه زمینه‌ها و عوامل این انحطاط را توضیح داد. [لینک سند]

در هفته‌های گذشته شاهد آن بودیم که طالبان (این لشکر برخاسته از باورهای سنگی قرون وسطایی و رشد یافته در پرورشگاه‌های شست‌وشوی مغزی پاکستان) و نظام دست‌نشانده فاسد وابسته به ناتو-امریکا مشغول تشدید کارزار و تقابل نظامی شان اند. کارزاری که با کشتار، بی خانمانی، فقر، ویرانی شهرها و روستاها و در به دری میلیون‌ها هموطن ما همراه بوده است.

اشغال سریع تعداد زیادی از ولسوالی‌ها و چند شهر توسط طالبان و همدستان پاکستانی آنان (در تباری با تنظیم‌ها و شبکه‌های تروریستی منطقه‌یی و بین‌المللی مانند القاعده و داعش و دیگر گروه‌های افراطی چون جنبش اسلامی اوزبیکستان، کتیبه امام البخاری، کتیبه التوحید و الجهاد، اتحادیه اسلامی جهاد و نیروهای جنبش اسلامی ترکستان شرقی که در سالهای اخیر از سوی نهادها و شبکه‌های حامی آنها در افغانستان مستقر گردیده اند)، عقبگرد نیروهای مسلح حاکمیت و اظهارات دروغین زعامت امریکا مبنی بر امتناع طالبان از حمله به شهرها گواه بر این است که مردم افغانستان کوچک‌ترین اراده‌یی برای تعیین سرنوشت خویش ندارند. اکنون

به خوبی دریافته می‌شود که ممانعت از تشکل نیروهای چپ و دموکراتیک و "تطمیع" اکثریت آنها توسط نظام و میانجی‌های امریکایی - ناتویی آن چی بوده است: هدف اصلی بی بهره نگه داشتن مردم افغانستان از یک وسیله سیاسی مترقی بود که در شرایط فاجعه‌آمیز کنونی می‌توانست به محور تجمع مردم در برابر تجاوز طالب-پاکستان مبدل گردد و تشکل یک الترناتیف سومی مردمی را برای وضعیت جاری سرعت بخشد: الترناتیفی برای برقراری یک نظام واقعاً دموکراتیک به جای نظام فاسد کنونی و یا نظامی برآمده از تقابل نظامی دوطرف جنگ جاری.

نظام با دالره‌های رایگانی که ذخیره کرده است گروه‌های بسیار کوچک بازمانده‌های جهادی را زیر نام "خیزش‌های مردمی" به تحرک آورد تا باشد یک جو تبلیغاتی را به سود خویش ایجاد نماید ولی این گروه‌های نمایشی هیچ گونه مؤثریتی از خود نشان ندادند.

در چنین اوضاع آشفته آنچه از نظر پنهان می‌ماند متن اجتماعی این همه جنگ‌های ویرانگر است، متنی که دروغا همه نشانه‌های بیماری علاج ناپذیر انحطاط را در خود دارد. چنین است وضعیت عینی واقعیت جامعه افغانی!

برخی‌ها، به شمول گروه‌های معینی از بازمانده‌های چپ دیروزی، پیش از آن که به تحلیل این وضعیت عینی بپردازند، از موقف منافع آنی خود حرکت می‌کنند و از همین موقف خوانشی کاملاً ذهنی از وضعیت کشور و تقابل طالب - نظام ارایه می‌کنند. برخی هم همه چیز را به برتری خواهی قومی ارگ خلاصه می‌کنند گویا اینکه اگر چنین برتری طلبی وجود نمیداشت، اصلاً جنگی و مسأله‌یی در افغانستان نمی‌بود! به همین گونه آنانی که طالب و پشتون را نابخردانه یکی می‌پنداشتند و خاستگاه طالبیزم را نی ایدیالوژی قرون وسطایی و پاکستان بل قوم پشتون معرفی می‌کردند ملاحظه می‌کنند که چنین نیست: طالبان هرگونه مظهر و متکای روشن اندیشی و ترقی پسندی را نابود می‌کنند، چی وابسته به تاجیک و اوزبیک و دیگر اقوام باشد، چی وابسته به پشتون‌ها! حزب نوین مردم افغانستان در جریان دو دهه در برابر هرگونه تبارگرایی موضع‌گیری اصولی اتخاذ کرده است و بخصوص نیروهای چپ را از درغلتیدن به این مرداب برحذر داشته است.

سوگمندان باید با واقع‌بینی ملاحظه کرد که نیروی سومی که بتواند به حیث یک الترناتیف برای وضعیت جاری مطرح گردد وجود ندارد. همه تلاش‌های جبهه‌خواهی و ائتلاف‌خواهی به نام جنبش دموکراتیک و مترقی در جریان دو دهه گذشته ناکام مانده اند و بیشترین به نفع نظام تمام شده اند.

سران جهاد دیروز که دیگر به ثروتمندان افسانه‌یی مبدل شده اند صرف در پی نجات "غنایم" دوزخی خود اند و علاقه‌یی به سرنوشت مردم و کشور ندارند. همین‌ها بودند که اردوی واقعاً ملی مردم افغانستان را به امر بادران

پاکستانی شان مضمحل ساختند و باز هم همین‌ها بودند که تمام افسرانِ میهن‌پرستِ متعلق به حزب دموکراتیک خلق افغانستان را از قوای مسلح کنونی اخراج کردند.

آیا در چنین وضعیتی باید تسلیم سرنوشت شد و درفشِ دادخواهی را فرود آورد و آن را در سردابۀ تاریخ پنهان کرد؟ یا این که به حیث مبارزانِ انقلابی باید باری دیگر با شکیبایی و پایداری تعهد تاریخی مان را برای دفاع از حقوق و منافع توده‌های خلق تازه سازیم؟ اعضای حزب نوین مردم افغانستان با افتخار همین راه دوم را برگزیده‌اند و آن را تا فرجامِ پیروزمندِ آن دنبال خواهند کرد!

حزب نوین مردم افغانستان بر آن است که تجربهٔ دو دههٔ گذشته برخی حقایق را به رهروان چپ آشکار ساخته است که برجسته‌ترین آن‌ها این است که رها کردنِ مواضع زحمتکشان و توده‌های مردم و همراه شدن با نظامِ فاسدِ دست‌نشانده چیزی جز فساد به ارمغان نمی‌آورد. حقیقت دیگر این است که یگانه چیزی که جنبش دموکراتیک را نیرومند می‌سازد تشکل در یک سازمان واحد سیاسی است! حزب نوین مردم افغانستان مبارزهٔ خود را در این راه ادامه می‌دهد.

حزب نوین مردم افغانستان پیشنهاد می‌کند تا در این وضعیت سرنوشت‌ساز احزاب، سازمانها و نیروها و عناصری که خود را متعلق به دنیای ترقی، انسان زحمتکش و منافع مردم افغانستان می‌دانند کنفرانس سیاسی مشترکی را دایر نمایند. در این کنفرانس وضعیت کنونی کشور با واقع‌بینی مورد بررسی قرار گیرد. کنفرانس باید:

- صدای اعتراض نیروهای دموکرات را بلند کند؛
- از حقوق انسانی و شهروندی زنان، دختران، کودکان و کهنسالان سرزمین ما با بانگ رسا حمایت کند؛
- طرح چشم‌اندازی را برای برون شدنِ نیروهای مترقی از پراکنده گی و وضعیت اسفبارِ کنونی تدوین نماید؛
- پیام خاصی به نسل جوان کشور که متأسفانه برای شرکت فعال در سیاست از خود تردد نشان می‌دهد بفرستد و آنان را به سوی تشکل سیاسی برای آیندهٔ کشور دعوت نماید.

ما از همه رفقا و سازمانهایی که خود را در این پیام می‌یابند دعوت می‌کنیم تا برای برگزاری این کنفرانس آماده گی شان را اعلام بدارند و با حزب نوین مردم افغانستان تماس بگیرند.

شورای مرکزی و فعالان حزب نوین مردم افغانستان از همین اکنون با سازمانها و شخصیت‌های مترقی تماس برقرار می‌کنند تا بتوانیم زمینه‌های عملی برگزاری چنین کنفرانسی را یکجا با هم فراهم سازیم. ما یقین داریم که رفقا و دوستانی که واقعاً به سرنوشت مردم ما می‌اندیشند به پیشنهاد ما پاسخ مثبت خواهند داد.